جوان و ارزش ها ـ 2 (امانت دارى)

سيد محمدرضا حسينى

پاس داشت ارزش ها و ترويج و اشاعه آن ها, بالندگى و پويايى جامعه را به دنبال خواهد داشت; همچنان كه تبيين آن ها نيز موجب شكوفايى و رونق بازار خوبى ها و شوق و پايبندى مردم و جوانان به آن خواهد شد. بنابراين بايد در معرفى و بيان ارزش ها كوششى دوچندان مبذول داشت.

در اين شماره به يكى از اين ارزش ها يعنى امانت دارى مى پردازيم.

معناى واژگانى امانت دارى

امانت, واژه اى است عربى و در فارسى به معانى متعددى به كار رفته است:

ـ امانت يعنى هر چيزى را كه براى نگه داشتن به كسى بسپارند;

ـ امانت يعنى راستى, درستى و ضد آن خيانت است;

ـ امانت يعنى تكاليفى كه خداوند براى خلق تعيين كرده است; از عبادات و طاعات.1

همان طور كه بيان شد, امانت در مقابل خيانت است; يعنى اگر كسى از امانت مواظبت نكرد, خيانت كرده است. عرفا امانت را به عشق, معرفت, فيض الهى, اسرار حق, عقل, تكليف و… معنا كرده اند, اما امام راحل ـ سلام اللّه عليه ـ مى فرمايد: (عده اى بر اين عقيده اند كه منظور از امانت, مطلق امانت خلقى (مال مردم) و خالقى (احكام شرعيه) مى باشد, و مقصود از امانت الهى اين است كه احكام اسلام را آن طور كه هست اجرا كنيد. گروه ديگرى معتقدند كه مراد از امانت, امامت است.

در روايت هم آمده كه مقصود از اين آيه (آيه 58 سوره نساء) ما (يعنى ائمه(ع) هستيم كه خداوند تعالى به ولات امر پيشين (رسول اكرم(ص) و ائمه(ع) امر كرده ولايت و امامت را به اهلش رد كنند.)2

امانت يك معناى وسيع ترى دارد به گونه اى كه يك سخن نيز امانت است, حكومت و پست و مقام نيز امانت محسوب مى شود و بايد به اهلش برگردد. بنابراين امانت به امانت هاى مالى, اقتصادى, سياسى, اجتماعى و اخلاقى نيز گفته مى شود.

اهميت امانت در اسلام

امانت به عنوان يك ارزش در اسلام, جايگاه ويژه اى دارد. دراهميت اين ارزش الهى همين بس كه قريب ده آيه3 درباره آن نازل شده است.

احاديث زيادى از پيامبر گرامى اسلام(ص) و ائمه اطهار(ع) درباره امانت دارى وارد شده است. بعضى از پيامبران ملقب به (امين) بودند. خداوند در مقام تعريف انبيا, آنان را با عنوان (رسول امين) يا (ناصح امين) معرفى مى فرمايد; مثلاً درباره حضرت نوح و هود مى فرمايد: (ألا تَتَّقُونَ أنَّى لَكُمْ رَسوْلٌ أَمينٌ;4 هنگامى كه برادرشان نوح به آن ها گفت: آيا تقوا پيشه نمى كنيد؟ من براى شما رسول امينى هستم). و درباره حضرت هود مى فرمايد: (إذْ قالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ هُودٌ ألا تَتَّقُون إنّى لَكُمْ رَسوُلٌ أمينٌ;5 هنگامى كه برادرشان هود گفت: آيا تقوا پيشه نمى كنيد؟ من براى شما فرستاده اى امين هستم). يا مى فرمايد: (أنَا لَكُمْ ناصِحٌ أمينٌ;6 من براى شما خيرخواهى امين هستم). خداوند در قرآن از زبان حضرت موسى مى فرمايد: (إنّى لَكُمْ رَسوُلٌ أمينٌ;7 من فرستاده امينى براى شما هستم).

پيامبر بزرگ اسلام(ص) نيز به (محمد امين) ملقب بودند. شهيد مطهرى مى گويد: ([حضرت محمد(ص)] پيش از بعثت, براى خديجه كه بعد به همسرى اش درآمد, يك سفر تجارتى به شام انجام داد. در آن سفر, بيش از پيش لياقت, استعداد, امانت و درست كارى اش روشن شد. او در ميان مردم آن چنان به درستى شهره شده بود كه لقب (محمد امين) يافته بود. امانت ها را به او مى سپردند. پس از بعثت نيز قريش با همه دشمنى كه با او پيدا كردند, باز هم امانت هاى خود را به او مى سپردند. از همين رو پس از هجرت به مدينه, چند روزى حضرت على(ع) را به جاى خود گذاشت كه امانت ها را به صاحبان اصلى برساند.)8

قرآن و امانت

قرآن نيز يكى از ويژگى هاى لازم مؤمن را امانت دارى مى داند: (وَالَّذينَ هُمْ لأَماناتِهِمْ وَعَهْدِهِم راعُونَ).9 حضرت رسول(ص) آن قدر شأن امانت را بالا مى بَرَد تا آن جا كه مى فرمايد: (لاايمَان لِمَنْ لاأمَانَةَ لَهُ;10 كسى كه امانت دار نيست, ايمان ندارد). از سوى ديگر حضرت در حديثى, يكى از نشانه هاى منافقين را خيانت در امانت مى داند: (نشانه منافق سه چيز است: دروغ گويى, پيمان شكنى و خيانت در امانت.)11

موارد امانت در كتاب و سنت

آنچه از آيات و روايات و متون دينى فهميده مى شود اين است كه تمام سرمايه هاى مادى و معنوى انسان اعم از: فرزند, پول و مقام, اسرار و رازها, حكومت و شخصيت علمى, سياسى, فرهنگى و… امانت الهى به شمار مى روند كه به دست انسان ها سپرده شده است و آدمى موظف به حفظ و نگهبانى از آن هاست تا به اهلش برگردد.

امانت مصاديق زيادى دارد كه در اين بخش به تعدادى از آن ها اشاره مى شود:

1. فرزند: فرزند انسان امانت الهى است. اگر پدر و مادر در تربيت فرزندشان كوتاهى كنند, خيانت كرده اند و در روز قيامت از آنان بازخواست خواهد شد.

2. شاگرد: شاگردان امانت در دست معلم هستند. اگر مربى در آموزش آن ها كوتاهى و سهل انگارى كند, در روز رستاخيز مورد سؤال قرار مى گيرد.

3. علم: اگر انسان از علم و دانش در جهت تعالى ديگران استفاده نكند و يا در جهت نابودى ديگران و جامعه آن را به كار برد, بازخواست خواهد شد.

4. انسان: انسان خود امانتى است كه خداوند به او حواس بينايى, چشايى, شنوايى و عقل و هوش عنايت فرموده است. بنابراين اگر در حفظ آن ها و بهره بردارى درست از آن ها كوتاهى كند, مورد بازپرسى قرار مى گيرد.

5. حكومت: حكومت نوعى امانت الهى است كه به حاكم سپرده شده است و حاكم موظف به حفظ و نگهبانى از آن است. شهيد مطهرى ـ رحمه اللّه ـ مى گويد: (چنان كه ملاحظه مى شود قرآن كريم, حاكم و سرپرست اجتماع را به عنوان امين و نگهبان اجتماع مى شناسد. حكومت عادلانه را نوعى امانت مى داند كه به او سپرده شده است و بايد در حفظ آن از آسيب ها و عمل به مقتضاى آن بكوشد… امام على(ع) به عامل آذربايجان مى نويسد: سمبادا بپندارى كه حكومتى كه به تو سپرده شده است, يك شكار است كه به چنگت افتاده است; بلكه, آن امانتى است كه بر گردنت گذاشته شده است.ز)12

6. احكام الهى: تكاليف الهى و قرآن كريم نيز امانت اند و مسلمانان موظف اند آن را حفظ كنند. از ديگر موارد امانت, اداى نماز, زكات, روزه, حج, مجالس, راز و… هستند كه براى جلوگيرى از طولانى شدن به آن ها نمى پردازيم.

اگر به امانت خيانت شود, امانت دار ضامن است. اگر مورد امانت از بين برود, در صورتى كه امانت دار در نگه دارى آن كوتاهى كرده باشد, ضامن است; ولى اگر نهايت سعى و تلاش خود را در نگه دارى آن به كار برده و با اين حال امانت از بين رفته باشد, ضمانتى متوجه امانت دار نيست. اگر كسى سخن كسى را بازگو نمايد, به وى خيانت كرده است.

آثار امانت دارى

امانت دارى موجب امنيت ملى, آرامش روحى و روانى, صفا و صميميت و از بين رفتن فقر و كدورت و بدبينى و دشمنى مى گردد.

روزى چوپانى به لقمان حكيم گفت: آيا تو با من چوپانى نمى كردى؟ گفت: آرى. چوپان گفت: پس چرا تو به اين مقام رسيدى؟ لقمان گفت: به دليل امانت دارى و راست گويى.13

امام صادق(ع) مى فرمايد: (امانت دارى سبب جلب رزق و روزى, و خيانت سبب فقر مى گردد).14 امانت داران همواره پيش خدا و مردم محبوب مى باشند و از آنان به نيكى ياد مى شود. بنابراين همه ما موظفيم تا در جهت ترويج و اشاعه فرهنگ امانت دارى كه يكى از ارزش هاى دينى و مذهبى ما مسلمانان است, تلاشى مضاعف كنيم تا روح امانت دارى در جامعه اسلامى گسترش يابد. با توجه به اين مهم, موضوع پژوهش اين شماره را به امانت دارى اختصاص داديم تا علاقه مندان به پژوهش و تحقيق در مقطع دبيرستان با انتخاب يكى از موضوع هاى پيش نهادى زير و با بهره مندى از منابعى كه معرفى مى شود, مقاله خود را تهيه و ارسال دارند.

محورهاى بحث:

1ـ آثار امانت دارى در فرد و جامعه.

2ـ راه هاى گسترش فرهنگ امانت دارى.

3ـ اهميت امانت دارى.

4ـ آثار خيانت در امانت.

5 ـ امانت هاى الهى از ديدگاه اسلام

منابع:

1. سيرى در نهج البلاغه, استاد شهيد مطهرى.

2. مقدمه اى بر جهان بينى اسلامى, استاد شهيد مطهرى.

3. داستان راستان, استاد شهيد مطهرى.

4. گناهان كبيره, آيةاللّه شهيد دستغيب.

5. آداب معاشرت در اسلام, محمدحسين جلالى.

6. چهل حديث, امام خمينى(ره).

7. نقطه هاى آغاز در اخلاق عملى, آيةاللّه مهدوى كنى.

پى نوشت ها:

1ـ فرهنگ معين, ج1, ص347.

2ـ بينات, سال دوم, شماره 6, ص5.

3ـ بقره, آيه 283; نساء, آيه58; مؤمنون, آيه 8; معارج, آيه 32; دخان, آيه 18; شعراء, آيات: 106, 125, 142, 162 و178; احزاب, آيه 72.

4ـ شعراء(52) آيه 106.

5ـ همان, آيه 124.

6ـ اعراف(7) آيه 68.

7ـ دخان(44)آيه 18.

8ـ مقدمه اى بر جهان بينى اسلامى, ج3, ص130ـ131.

9ـ مؤمنون(23) آيه 8.

10ـ ميزان الحكمه, ج1, ص215.

11ـ تفسير نمونه, ج3, ص433.

12ـ سيرى در نهج البلاغه, ص132.

13ـ داستان ها و پندها, ج8, ص115 و116.

14ـ ميزان الحكمه, همان, ص78.